

در مشهد می مانم

او با بیان اینکه جریان اصلی تولید در ایران از مسیر تهران می‌گذرد، تأکید می‌کند: همچنان تصمیم داریم در مشهد بمانیم. برای من، ماندن در مشهد یعنی دل‌کنندن از زادگاهم اصفهان. با این حال اینجاسایه امام رضا^(ع) بالای سرم است و همین برآیم آرامش می‌آورد. سلمانی علاقه‌اش به مشهد را تنها شخصی و معنوی نمی‌داند. او معتقد است این شهر ظرفیت‌های سینمایی بسیاری دارد؛ «مشهد فقط یک لوکیشن مذهبی نیست. در همین اطراف، سوژه‌های زیست محیطی مهمی هست؛ تغییرات اقلیمی، نابودی زیستگاه‌ها و تهدیدهایی که هر روز پررنگ‌تر می‌شوند. این‌ها همه می‌توانند روایت‌های جدی سینمایی باشند.»

سینما و سهمی در بهتر شدن جهان

وقتی از آینده این فیلم‌ساز جوان می‌پرسیم، دیگر بحث جشنواره‌ها یا سختی‌های تولید نیست. او مکتبی می‌کند و با لحنی آرام و مطمئن می‌گوید: مسیرم را در سینما طولانی و پر زحمت می‌بینم؛ مسیری که «هدف نهایی‌اش رسیدن به سینمای بلند است.»

علی سلمانی ادامه می‌دهد: باور دارم سینما فقط محملی برای سرگرمی نیست، بلکه باید سهمی در بهتر شدن جهان داشته باشد. اگر همین امروز امکان ساخت یک فیلم بلند را پیدا کنیم، باز هم فلسطین را انتخاب می‌کنم. چون به نظرم مهم‌ترین دغدغه زمانه ما همین مسئله است.

خاطره‌گویی

یک مأموریت متفاوت

یکی از پروژه‌هایی که علی سلمانی به یاد می‌آورد، مربوط به خدمتی بود که از سوی آستان قدس رضوی، به تعدادی از روستاهای اطراف فریمان ارائه شد. در این مأموریت، تعدادی از بزرگان محلی با همکاری آستان قدس، گروهی از سالمندان را که به دلیل بیماری یا مشکلات جسمی توان حضور در زیارت نداشتند، به مشهد آوردند. اما مشکلات زیادی سر راه این زائران بود؛ از نبود نیروی کافی برای جابه‌جایی و بلیچر تا رسیدگی به تغذیه و نگهداری سالمندان در طول مسیر.

اومی‌گوید: در راه مأموریت، یکی از عوامل پروژه که با چنین کارهایی موافق نبود، با تردید گفت این کار چه فایده‌ای دارد؟ جز اینکه گزارشی ساخته و چند تصویر پخش شود، درد کسی را دوانمی‌کند.

سلمانی ادامه می‌دهد: به همکارم توضیح دادم که ثبت چنین حرکت‌هایی می‌تواند فرهنگ‌ساز باشد و مردم را به کارهای خیر تشویق کند. ولی همکارم همچنان قانع نشد. در ادامه مسیر، در یکی از روستاها خانواده‌ای زندگی می‌کردند که به دلیل صعب‌العبور بودن مسیرشان، کسی سراغشان نرفته بود تا سالمندانشان را به مشهد بیاورد. وقتی تیم فیلم‌سازی از ما جابه‌جا خبر شد، پیگیری کردند و بالاخره با پیگیری ما آن خانواده هم به جمع زائران اضافه شدند. همان موقع با لبخند رو به همکارم گفتم دیدی؟ همین‌جا حداقل ما به درد خوردیم. ولی این تازه اول ماجرا بود. یکی از مسئولان آستان قدس برای بازدید از پروژه ما آمد و همراه گروه فیلم‌برداری در خانه یکی از سالمندان حضور یافت. در آن خانه، دختری جوان که پرستار مادر سالمندش بود، جلودوربین اذل شکستگی‌هایش این‌طور گفت که «من مدت هاست با امام رضا قهر کرده‌ام. حاجتم این بود که به کربلا بروم، اما برآورده نشد.» مسئولی که آنجا بود به آن خانم گفت همین‌که امشب با مادران به زیارت امام رضا^(ع) آمده‌اید، یعنی حاجتتان برآورده شده است.

سلمانی می‌گوید: مدتی بعد، همان مسئول به طور ناشناس پیگیر وضعیت آن خانواده شد و بی‌خبر از دوربین‌ها، هزینه سفر کربلا برای آن دختر را فراهم کرد. خبر که رسید، همان همکارم در حالی که پراز تعجب بود گفت حالا می‌بینم حتی اگر فکر کنیم کار ما بی‌فایده است، شاید دست‌کم زمینه‌ساز اتفاقاتی باشیم که خودمان از آن خبر نداریم.

همه‌همه در پشت صحنه «شورش»

علی سلمانی به حوادث غیرمنتظره‌ای که در جریان تولید فیلم «شورش»، رخ داد هم اشاره می‌کند. اومی‌گوید: در شب ضبط نهایی، یکی از بازیگران در حال دویدن، ناخواسته با اسلحه وینچستر صحنه، به کمر طراح صحنه، امین فاضلی، کوبید. این در حالی بود که آقای فاضلی، مشکل دیسک کمر داشت و در اثر آن ضربه، نقش بر زمین شد و صدای همه‌همه‌ای به راه افتاد.

او ادامه می‌دهد: این اتفاق زمانی روی داد که ما به دلیل ساعت‌های پایانی روز به شدت تحت فشار و برای از دست رفتن زمان فیلم‌برداری نگران بودیم. همین لحظه با دلشوره گفتم «امین، دیگه نه!»، اما چند دقیقه بعد، آقای فاضلی پا خنده از جا بلند شد و صحنه ادامه پیدا کرد.

سلمانی به یاد می‌آورد: یکی دیگر از اتفاق‌های آن روز مربوط به صحنه‌ای بود که یک هنرور باید با لباس شخصی، در نقش نیروهای اسرائیلی، از بالای دیوار می‌پرید و وارد قاب می‌شد. او چند بار تمرین کرده بود اما به دلایلی انعکاس نور خوب از آب در نمی‌آمد. برای همین

از طراح صحنه خواستیم کمی آب روی زمین بریزند تا نورپردازی تیره‌تر شود. اما الغزنگی سطح زمین سبب

شد هنگام پرش، پای هنرور سر بخورد و تاندون پایش آسیب جدی ببیند. در حالی که همه نگران او بودند،

سریع گفتم آمبولانس خبر کنید و هم‌زمان فرد دیگری را جایگزین کنیم تا روند کار متوقف نشود. همین اقدام من،

از سوی دستیار کارگردانی به «بی‌رحمی» تعبیر شد، ولی آنجا نظرم این بود من که پزشک نیستم و هر موضوعی

باید از راه خودش پیگیری شود.

او می‌گوید: با اینکه یک ساعت و نیم وقفه باعث شد چند پلان مهم را از دست بدهم، یاد گرفتم در سخت‌ترین لحظه‌ها، حتی اگر به نظر بی‌رحمی بیاید، باید وظیفه‌ام را درست انجام بدهم.



کارنامه آثار علی سلمانی

فیلم کوتاه «شورش»

موضوع:

فلسطین و کودکان
بازداشت‌شده

جوایز:

- جایزه ویژه سازمان سینمایی کشور و جایزه شاخه زیتون در جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران - ۱۴۰۲
- نشان ویژه ایثار و آزادی خودگذشتگی جشنواره بین‌المللی رشد - ۱۴۰۲
- پخش: شبکه‌های مختلف تلویزیونی

مستند «نفس خوار»

کارگردانی مشترک با سید محمد محمدی سرشت

موضوع:

پیامدهای توسعه شهری
در ارتفاعات جنوبی مشهد

جوایز:

جایزه پایش و پالایش اجتماعی جشنواره مردمی فیلم عمار - ۱۳۹۷

پخش:

شبکه‌های مختلف
تلویزیونی

مجموعه تلویزیونی
«جایی برای همه»
اپیزود «ورشکسته»

موضوع:

آیین‌های عزاداری ساده
در برابر مجالس مجلل
نخستین حضور جدی در
قاب تلویزیون - ۱۴۰۴

پخش:

از شبکه ۲

